

خلا مبانی نظری در تعریف رمان کودک و نوجوان

میترا لبافی^۱، فریبا سرخوش^۲، مریم جلالی^۳

۱. دانشجوی دکتری، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

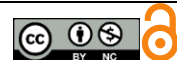
۳. دانشیار، گروه ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

* ایمیل نویسنده مسئول: fariba.sarkhosh@iau.ac.ir

چکیده

«رمان کودک» و «رمان نوجوان» دو گونه ادبی در حوزه ادبیات داستانی کودک و نوجوان هستند که به‌ویژه در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته‌اند و بسیاری از نویسندگان به خلق رمان برای مخاطب کودک و مخاطب نوجوان روی آورده‌اند، اما در پژوهش‌های ادبی، تعریف مستقل و واضحی از این گونه‌ها ارائه نشده است و منابع علمی چندانی برای تحلیل ویژگی‌های ساختاری و محتوایی آن‌ها وجود ندارد؛ از این‌رو، پژوهشگران برای پرداختن به این آثار و تحلیل و واکاوی آن‌ها با چالش‌های زیادی روبه‌رو هستند. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن پرداختن به خلا مبانی نظری و نقد دیدگاه‌ها در زمینه دو گونه رمان کودک و رمان نوجوان، کوشیده‌ایم تعریفی مناسب برای این گونه‌ها ارائه دهیم و ویژگی‌های ساختاری و محتوایی آن‌ها را به‌طور دقیق برشماریم. این پژوهش نشان می‌دهد که دو گونه ادبی رمان کودک و رمان نوجوان در عناصر روایی، پیچیدگی زبانی، گستره موضوعات، شخصیت‌پردازی، میزان واقع‌گرایی، جنبه تصویری، و نوع مخاطب با یکدیگر تفاوت دارند. شاخصه‌های اصلی رمان کودک زبان ساده، تصویرگری گسترده، شخصیت‌های ملموس و خیالی، و ساختار ساده با پیرنگ خطی است، اما ویژگی‌های برجسته رمان نوجوان زبان صمیمی، شخصیت‌های واقعی و چندبعدی، و ساختار چندلایه است و روایت‌های عمیق با کارکرد هویت‌ساز دارد. رمان نوجوان در میانه ادبیات داستانی کودکان و ادبیات داستانی بزرگسالان قرار دارد و علاوه بر سرگرم کردن و لذت‌بخشیدن به مخاطب نوجوان، نقشی مهم در ارتقای آگاهی، تقویت ارزش‌های اجتماعی، و آماده‌سازی ذهنی و روانی نوجوان برای ورود به مراحل پیچیده‌تر زندگی دارد.

کلیدواژگان: ادبیات داستانی، ادبیات کودک و نوجوان، رمان کودک، رمان نوجوان، ساختار، محتوا.



شیوه استناددهی: لبافی، میترا، سرخوش، فریبا، و جلالی، مریم. (۱۴۰۴). خلا مبانی نظری در تعریف رمان کودک و نوجوان. گنجینه زبان و ادبیات فارسی، ۳(۴)، ۱-۱۴.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۲ شهریور ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۸ آذر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۶ دی ۱۴۰۴

تاریخ چاپ اولیه: ۷ دی ۱۴۰۴

تاریخ چاپ نهایی: ۲۷ دی ۱۴۰۴

The Treasury of Persian Language and Literature

Theoretical Foundations Gap in Defining Children's and Young Adult Novels

Mitra Labafi¹, Fariba Sarkhosh^{2*}, Maryam Jalali³

1. PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, NT.C., Tehran, Iran

2. Department of Persian Language and Literature, WT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran

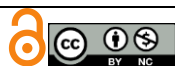
3. Associate Professor, Department of Literature and Humanities, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

*Corresponding Author's Email: fariba.sarkhosh@iau.ac.ir

Abstract

"Children's novel" and "young adult novel" constitute two literary genres within the field of children's and young adult narrative literature that have attracted increasing scholarly and creative attention in recent years, and a growing number of authors have turned toward producing novels for child and adolescent audiences; however, literary research has not yet provided independent and precise definitions for these genres, and there is a noticeable lack of academic resources for analyzing their structural and thematic characteristics. Consequently, researchers encounter significant challenges in the examination, interpretation, and critical analysis of such works. Employing a descriptive-analytical method, the present article addresses the theoretical foundations gap and critiques existing perspectives concerning the two genres of the children's novel and the young adult novel, and seeks to propose an appropriate definition for each while systematically identifying their structural and content-related features. The findings indicate that children's novels and young adult novels differ substantially in narrative elements, linguistic complexity, thematic scope, characterization, degree of realism, visual dimension, and intended audience. The primary characteristics of the children's novel include simple language, extensive illustration, tangible and imaginary characters, and a straightforward structure with a linear plot; in contrast, the prominent features of the young adult novel consist of an intimate narrative voice, realistic and multidimensional characters, and a multilayered structure with deeper narratives that perform an identity-forming function. The young adult novel occupies an intermediate position between children's narrative literature and adult fiction and, beyond providing entertainment and pleasure for adolescent readers, plays a crucial role in enhancing awareness, strengthening social values, and preparing adolescents cognitively and psychologically for entry into more complex stages of life.

Keywords: *Narrative literature; children's and young adult literature; children's novel; young adult novel; structure; content.*



How to cite: Labafi, M., Sarkhosh, F., & Jalali, M. (2025). Theoretical Foundations Gap in Defining Children's and Young Adult Novels. *The Treasury of Persian Language and Literature*, 3(4), 1-14.

© 2025 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 24 August 2025

Revise Date: 19 December 2025

Accept Date: 27 December 2025

Initial Publish: 28 December 2025

Final Publish: 17 January 2026

مقدمه

در تمامی ادوار تاریخ ادبیات ایران، کودکان و نوجوانان نیز در کنار بزرگسالان سهمی در خور و قابل توجه در ادبیات این مرز و بوم داشته اند. تا حدی که می توان ارزش هنری ادبیات کودکان و نوجوانان را با ادبیات بزرگسال برابر دانست چرا که مخاطب ادبیات کودک و نوجوان طیفی مهم و تاثیرگذار در جامعه به شمار می روند. (منفردان، ۱۳۹۴: ۸) رمان کودک و رمان نوجوان دو نوع مهم در ادبیات داستانی کودک و نوجوان هستند. در ایران به ویژه از دهه مفقاد به این سو، رمان های زیادی برای مخاطب کودک و نوجوان تألیف شده است و به تبع آن، بسیاری از پژوهشگران نیز به تحلیل انتقادی این آثار روی آورده اند؛ با این حال، هنوز تعریف جامعی از این دو نوع ادبی وجود ندارد و این خلأ پژوهشگران را با دشواری های بسیاری مواجه کرده است؛ از این رو، در این پژوهش، با روش توصیفی و با استناد به منابع نظری، ضمن توجه به پژوهش های انجام شده در زمینه رمان کودک و رمان نوجوان و چالش های موجود در این زمینه می کوشیم تعریف مناسبی برای این گونه های ادبی ارائه دهیم و ویژگی های ساختاری و محتوایی آن ها را برشماریم. این پژوهش می توان برای پژوهشگران حوزه کودک و نوجوان راهشگا باشد.

پیشینه تحقیق

حجازی (۱۳۹۵) در کتاب **ادبیات کودک و نوجوان؛ ویژگی ها و جنبه ها** به تعریف ادبیات کودکان، تاریخچه، و ویژگی های ادبیات کودک پرداخته، اما تعریفی از رمان نوجوان ارائه نکرده است (۱)؛ جلالی (۱۴۰۳) از منظر مخاطب شناسی، رمان کودک و رمان نوجوان را از یکدیگر جدا کرده و ویژگی های آن ها را بیان کرده است (۲)؛ معتمدی و رشیدی (۱۴۰۰) نیز در کتاب خود اصول و ویژگی های ادبیات کودک و نوجوان را بیان کرده اند (۳).

ادبیات کودک و نوجوان

نگاهی کوتاه به تاریخچه ادبیات کودک و نوجوان نشان می دهد که در گذشته، دنیای کودکان و نوجوانان به رسمیت شناخته نمی شد؛ بنابراین، ادبیات خاص کودکان و نوجوانان هم یا خلق نمی شد، یا اندک بود، و یا به صورت یک جریان مستمر و تعیین کننده حضور نداشت (۴). این موضوع محققان حوزه ادبیات کودک و نوجوان را دچار سردرگمی کرده است؛ تا جایی که برخی از آن ها نقطه آغازی برای این شاخه از ادبیات در نظر نمی گیرند و برخی دیگر ادبیات شفاهی را سرچشمه ادبیات کودک و نوجوان می دانند (۵)؛ به ویژه «آن بخش از داستان های عوام که گوینده آن زنان هستند، در بست و شش دانگ متعلق به بچه ها است.» (۳) هر چند در گذشته، روایت های شفاهی مانند حکایت ها، متل ها، قصه های عامیانه، و داستان های شاهنامه از نظر مخاطب، کودک و نوجوان یا بزرگسال، تفکیک نمی شد، به صورت نانوشت در اوقاتی خاص مانند شب های یلدا یا در مکتب خانه ها، مخاطبان کودک و نوجوان را نیز دربر می گرفت.

عده ای دیگر از پژوهشگران معتقدند که آنچه در ادبیات به معنای گسترده و عام مورد توجه است، در ادبیات کودک و نوجوان نیز وجود دارد. آن ها بر این باورند که نه تنها ادبیات کودکان و نوجوانان از نظر کیفی چیزی از ادبیات بزرگسالان کم ندارد، بلکه از آن رو که دارای مخاطبانی کم تجربه تر نسبت به ادبیات بزرگسالان است، باید سازنده تر و عالی تر نیز باشد؛ از این رو، تنها تفاوتی که میان این دو شاخه از ادبیات در نظر می گیرند، گستره نیازها و امکاناتی است که برای گروه مخاطب کودکان و نوجوانان مطرح است. با توجه به این مطالب، می توان ادبیات کودک و نوجوان را این گونه تعریف کرد:

«هرگونه آفرینش هنری در قالب کلام و با زبانی خوشایند و مناسب درک کودک و نوجوان اعم از شعر، قصه، و داستان که عواطف، احساسات، و تخیلات کودک و نوجوان را بارور کند و سبب تعالی

وی در شناخت از خود و جهان پیرامون گردد، ادبیات کودک و نوجوان نامیده می‌شود.» (6).

بسیاری از منتقدان و نظریه‌پردازان بر این باور هستند که اصلی‌ترین رسالت ادبیات داستانی برای کودکان و نوجوانان، «لذت‌آفرینی» است؛ برای نمونه، پولادی معتقد است که ادبیات، خود دارای ارزش ذاتی است و نباید آن را وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف دیگر در نظر گرفت: «ادبیات برای نمایاندن لذت و خرسندی به کودک است؛ البته نه یک لذت سطحی و عامیانه، بلکه لذتی ژرف و متعالی.» (7). اعتقاد کلی بر این است که ادبیات کودکان و نوجوانان باید قادر باشد محتوای آموزشی را به‌طور غیرمستقیم و نامحسوس اما به شکلی سرگرم‌کننده و لذت‌بخش به مخاطب بیاموزد.

ادبیات کودک و ادبیات نوجوان: شباهت‌ها و تفاوت‌ها

پژوهشگران ادبیات کودک و نوجوان را به دو دسته ادبیات کودک و ادبیات نوجوان تقسیم کرده و برای آن‌ها وجوه مشترکی برشمرده‌اند. در ادامه، ابتدا این موارد را ذکر می‌کنیم و سپس، به نقد آن‌ها می‌پردازیم:

مخاطب‌محوری: نویسندگان داستان‌های کودک و نوجوان در آثار خود به جهان‌بینی، دغدغه‌ها، زبان، و محدودیت‌های فکری و عاطفی مخاطبان کودک یا نوجوان می‌پردازند، (8).

سادگی و وضوح زبان: زبان آثار ادبی برای مخاطب کودک و نوجوان متناسب با سن آنها، ساده، روان، و قابل فهم است، (9).

تأثیرگذاری و هدایت: ادبیات کودک و نوجوان وسیله‌ای برای تأثیرگذاری و هدایت و راهنمایی کودکان و نوجوانان و انتقال آموزه‌های اخلاقی و اجتماعی به آن‌ها است، (10).

افزایش قدرت خلاقیت: آثار ادبی مناسب کودک و نوجوان قدرت خلاقیت آن‌ها را برمی‌انگیزند و پرورش می‌دهند. این آثار، مخاطبان خود را به صورت غیرمستقیم، برای رویارویی با مسائل زندگی

آماده می‌سازند و با بیان تجارب گوناگون، محدودیت‌های کتاب‌های درسی و مدرسه را جبران می‌کنند (11).

هرچند در رویکردهای رایج در نقد ادبیات داستانی کودک و نوجوان به این ویژگی‌ها توجه شده است، اما از نظر دقت مفهومی، وزن‌دهی به مؤلفه‌ها، و جامعیت نیاز به بررسی بیشتر دارند:

۱- در ادبیات کودک، تمرکز بر برانگیختن هیجان‌های ابتدایی است، درحالی‌که در ادبیات نوجوان، نویسنده غالباً بر شکل‌گیری هویت، پردازش تعارضات اجتماعی، و بسط نگرش انتقادی تمرکز دارد. منتقدان این تفاوت را ذکر نکرده‌اند که همین امر ممکن است به هم‌پوشانی بیش‌ازحد دو گروه ادبی بیانجامد،

۲- سادگی و وضوح زبان ویژگی مشترک دو گروه کودکان و نوجوانان است، اما باید توجه داشت که این سادگی در دو گروه سنی تعریف متفاوتی دارد. در ادبیات کودک، سادگی بیشتر به حذف ساختارهای پیچیده و استفاده از واژگان ملموس محدود می‌شود، درحالی‌که در داستان نوجوان، زبان باید ضمن روان‌بودن، چالش‌های فکری و معنایی را نیز مطرح کند،

۳- منتقدان صرفاً به انتقال غیرمستقیم ارزش‌های آموزشی، اخلاقی، و تربیتی از طریق شعر و داستان اشاره می‌کنند، اما نقد ادبی مدرن تأکید دارد که این ارزش‌ها در ادبیات کودک غالباً به صورت مستقیم‌تر یا نمادین‌تر مطرح می‌شوند، درحالی‌که در ادبیات نوجوان، بیشتر در قالب دیالوگ، تعارض داستانی، و تجربه‌های شخصیت‌ها بازتاب می‌یابند.

۴- افزایش قدرت خلاقیت و به تبع آن، تقویت مهارت‌های خواندن و نوشتن به درستی به عنوان وجه مشترک ذکر شده‌اند، ولی این مورد نیز نیازمند تمایزگذاری است. در ادبیات کودک، افزایش دایره لغات اغلب از طریق

تکرار و تصویرگری محقق می‌شود، درحالی‌که در ادبیات نوجوان، خواننده می‌تواند از ساختار روایات چندلایه، دیالوگ‌های پیچیده‌تر، و تعامل با متون غیرداستانی در داستان‌ها، زبان و منطق روایت را عمیق‌تر بیاموزد.

مطالب ارائه‌شده گرچه فهرستی قابل استناد از وجوه مشترک دو گونه ادبی را ارائه می‌دهد، اما عدم تمایز دقیق در سطح معنایی و ساختاری میان مخاطبان کودک و نوجوان و ادغام برخی ویژگی‌های خاص در یک قالب مشترک، موجب کاهش ارزش تحلیلی آن می‌شود.

با توجه به این نقدها می‌توان چند وجه اشتراک مهم در ادبیات کودک و ادبیات نوجوان شناسایی کرد که در رویکردها ذکر نشده‌اند:

۱. **نقش عناصر خیالی:** هر دو گونه ادبی، از عناصر خیالی یا فانتزی برای جذب مخاطب بهره می‌برند. در ادبیات کودک، این عناصر بیشتر ساده و ملموس هستند؛ مانند حضور موجودات جادویی یا حیوانات سخنگو. در ادبیات نوجوان، عناصر خیالی می‌توانند نمادین، فلسفی، یا حتی استعاری باشند، اما همچنان موجب جذابیت روایت می‌شوند.

۲. **پیوند عاطفی نویسنده با مخاطب:** در هر دو نوع ادبیات بر ایجاد رابطه احساسی و همذات‌پنداری میان مخاطب و شخصیت‌ها تأکید می‌شود. این پیوند عاطفی امکان درگیری ذهنی و قلبی خواننده با داستان را فراهم و به ماندگاری پیام‌ها کمک می‌کند.

۳. **روایت‌محوری و اهمیت ساختار داستانی:** در هر دو دسته آثار، روایت ابزار اصلی انتقال پیام‌ها و مفاهیم است. حتی مطالب آموزشی یا تربیتی نیز در قالب روایت گنجانده می‌شوند تا از آموزش مستقیم فاصله داشته باشند و مخاطب را بیشتر درگیر کنند.

۴. **تقویت مهارت‌های اجتماعی و اخلاقی:** اگرچه شیوه‌ها متفاوت است، اما هر دو گونه ادبی می‌توانند به‌طور غیرمستقیم، ارزش‌هایی چون دوستی، همیاری، رعایت حقوق دیگران، و

مسئولیت‌پذیری را آموزش دهند. این کارکرد مشترک، یکی از پایه‌های تربیتی این آثار محسوب می‌شود.

۵. **جذابیت بصری و زیبایی‌شناسی متن:** نویسندگان هر دو دسته آثار می‌کوشند از جذابیت بصری برای تأثیر بر مخاطب استفاده کنند؛ در آثار کودکان، با تصویرگری گسترده و رنگ‌های شاد و در آثار نوجوانان، از طریق طراحی جلد، نمادپردازی بصری، و گاهی تصویرگری محدود اما مؤثر. عنصر زیبایی‌شناسی در هر دو نوع آثار مکمل متن است و مخاطب را به ادامه خواندن ترغیب می‌کند.

۶. **بازتاب فرهنگ و ارزش‌های بومی:** در هر دو دسته آثار، نویسندگان به‌طور طبیعی بخشی از فرهنگ، زبان، و ارزش‌های جامعه خود را در روایت‌شان بیان می‌کنند. این ویژگی مشترک باعث می‌شود آثار علاوه بر جذابیت فردی، نقش هویت‌بخشی برای مخاطبان داشته باشند.

این دو گونه ادبی تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. آثار ادبی که برای مخاطب کودک خلق می‌شوند، به دلیل تأثیر عاطفی و ویژگی‌های سنی کودکان، با آثاری که برای نوجوانان نوشته می‌شوند، تفاوت دارند؛ برای نمونه در ادبیات کودک، تصویرگری کتاب، نقش مهم‌تری دارد. زبان کتاب ساده‌تر است، و شخصیت‌ها متناسب با گروه سنی کودک پردازش می‌شوند. حتی حیوانات و قصه‌های مرتبط با آن‌ها هم در گروه کتاب‌های مؤثر حوزه کودک قرار می‌گیرند، اما در ادبیات نوجوان چنین نیست و شخصیت‌های داستانی واقعی‌تر هستند، شخصیت‌های فانتزی هماهنگ با گروه سنی نوجوان تعریف می‌شوند، و سادگی زبان کتاب‌های نوجوان متناسب با سن آن‌ها است (۹).

هر دو دسته ادبیات کودک و ادبیات نوجوان برای گروه‌های سنی پایین‌تر از بزرگسالان نوشته می‌شوند، اما از نظر اهداف، ساختار، زبان، و عناصر روایی تفاوت‌های قابل توجهی دارند. در آثار مرتبط با کودکان، نگاه نویسنده و تصویرگر به جهان، براساس ویژگی‌های

رمان کودک و رمان نوجوان

با توجه به مطالب بالا، می‌توان رمان کودک را این گونه تعریف کرد: رمان کودک، روایت داستانی پایداری است که به‌طور خاص برای مخاطبانی بین شش تا دوازده سال نوشته‌شده و جنبه سرگرم‌کنندگی، لذت‌بخشی، و آموزش غیرمستقیم دارد و موجب رشد تخیلی، شناختی، و عاطفی کودکان می‌شود. عناصر داستانی و ساختار آن نیز با مرحله رشد کودکان تناسب دارد. ویژگی بارز رمان کودک استفاده از زبان ساده، روشن، و فاقد پیچیدگی‌های نحوی و معنایی است تا برای مخاطب کودک قابل فهم و جذاب باشد (12). در این گونه ادبی، تصویرگری در کنار متن نقشی محوری دارد؛ تصاویر علاوه بر جنبه زیبایی‌بخشی، ابزار اصلی برای درک مفاهیم و ایجاد انگیزه خواندن هستند (15). شخصیت‌ها غالباً ملموس یا خیالی و قابل همذات‌پنداری هستند و از حیوانات سخنگو و موجودات جادویی گرفته تا اشیای انسان‌نما تخیل کودک را گسترش می‌دهند و هم‌زمان، ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی ساده را به او منتقل می‌کنند (13). از منظر کارکردی، رمان کودک ابزاری چندوجهی برای رشد زبان، مهارت‌های روایی، و نگرش اجتماعی کودک است و با ایجاد لذت خواندن، ارتباط عاطفی مثبت بین کودک و کتاب برقرار می‌کند. رمان‌های کودک در ساختارهای منسجم روایی و در قالبی کوتاه‌تر از رمان‌های نوجوان یا بزرگسال ارائه می‌شوند و معمولاً در حجم محدودی حدود ۲۰۰۰ کلمه به چاپ می‌رسند تا با میزان توجه و تمرکز کودکان سازگار باشند (16).

در مقابل، می‌توان گفت رمان نوجوان، نوعی روایت داستانی است که مخاطب اصلی آن نوجوانان بین سنین دوازده تا هجده سال هستند. محتوا در این نوع رمان، مناسب گروه سنی نوجوان است و درون‌مایه‌هایی چون ماجراجویی و کشف و عناصر فانتزی و خیالی در آن دیده می‌شود؛ همچنین، نویسندگان این گونه رمان به چالش‌های سن نوجوانی، اصول و ارزش‌های فرهنگی، و

روان‌شناختی و عاطفی کودک است. کودک دایره واژگانی محدود و درک ساده‌تری از مفاهیم دارد؛ بنابراین، زبان کتاب باید واضح و فاقد پیچیدگی‌های نحوی یا معنایی باشد. تصویرگری در اینجا نقشی کلیدی دارد؛ تصاویر که برای زیبا کردن متن به آن افزوده می‌شوند، ابزار اصلی انتقال مفاهیم هستند و به فهم داستان کمک می‌کنند (12). شخصیت‌ها که معمولاً براساس تجربیات ملموس و آشنا برای کودکان خلق می‌شوند، اغلب حیوانات، موجودات خیالی، یا اشیای انسان‌نما هستند و تخیل کودکان را تحریک می‌کنند (13).

در مقابل، ادبیات نوجوان بر نیازهای متفاوت این گروه سنی تمرکز می‌کند. نوجوانان در مرحله‌ای هستند که دایره واژگانی آن‌ها و توانایی‌شان برای درک مفاهیم انتزاعی و پیچیده‌تر افزایش یافته‌است و ارتباطشان با واقعیت پررنگ‌تر است. شخصیت‌های داستانی در ادبیات نوجوان، غالباً واقعی‌تر و چندلایه‌تر هستند و دغدغه‌های اجتماعی، هویتی، و گاهی جهانی نوجوانان را بازتاب می‌دهند. هرچند زبان کتاب برای نوجوانان همچنان باید روان و صمیمی باشد، چالش‌های فکری و اخلاقی نوجوانان نیز باید مطرح شوند. عناصر فانتزی در این آثار حضور دارند، اما این عناصر بیشتر جنبه تفکری یا نمادین پیدامی‌کنند و متناسب با جهان ذهنی و تجربه‌های نوجوان تعریف می‌شوند.

انتخاب موضوع برای گروه سنی نوجوان هوشمندانه‌تر است و مسائلی مانند عدالت، دوستی، عشق، بحران‌های اجتماعی یا دغدغه‌های جهانی، درون‌مایه آثار نوجوانان را تشکیل می‌دهند. ادبیات نوجوانان منعکس‌کننده ظرفیت‌های شناختی، زبانی، و عاطفی گسترش‌یافته نوجوانان است. نوجوانان قادر به تعامل با ایده‌های انتزاعی و پیچیده هستند و ارتباط قوی‌تری با دنیای واقعی دارند. در روایت‌های ادبی برای نوجوانان معمولاً شخصیت‌های چندلایه و واقع‌گرایانه حضور دارند که دغدغه‌هایشان به مسائل اجتماعی، هویت‌محور، و حتی جهانی گسترش می‌یابد. (14).

سنت‌های بومی می‌پردازند. تعریف رمان نوجوان در کتاب‌های مختلف، متفاوت است و محققان کماکان در پی دستیابی به چهارچوب‌های متنوعی برای تعریف رمان نوجوان و نقد آن هستند. کارولین هانت در مقاله‌ای با عنوان «ادبیات نوجوان از نظریه‌پردازان می‌گریزد» به این موضوع می‌پردازد که ادبیات نوجوان باوجود به بلوغ رسیدن و به رسمیت شناخته شدن، از ضعف نظری قابل توجهی رنج می‌برد. وی دیدگاه‌های اندیشمندان برجسته در حوزه ادبیات همچون ژاکلین رز، پیترو هانت، جان استیونز، پری نودلمن و کارن لسنیک ابراشتاين را در دوره پانزده ساله از ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۵ بررسی می‌کند و به این نتیجه دست می‌یابد که اغلب محققان به اختلاف نظر دربارۀ تمایز ادبیات نوجوان و ادبیات کودک و خردسال توجه کرده‌اند (۱۷).

در اغلب تعریف‌هایی که برای رمان نوجوان ارائه شده، بر ویژگی‌های گروه سنی نوجوان تأکید شده است؛ تعریف‌هایی که نشان می‌دهند دوران نوجوانی یکی از حساس‌ترین و مهم‌ترین دوره‌های رشد انسان محسوب می‌شود که با تغییرات مختلف جسمی، عاطفی، شناختی، و اجتماعی همراه است (۱۸). توجه به ویژگی‌های سنی، روانی، و فطری انسان در سنین نوجوانی برای ارائه تعریفی جامع از رمان نوجوان مفید است.

یکی دیگر از مواردی که در تعریف رمان نوجوان قابل توجه است، مسائل اجتماعی است. رمان نوجوان به عنوان بخشی از ادبیات نوجوان زمینه‌ای برای ورود به عالم بزرگسالی است: «از گسترده‌ترین بخش‌های ادبیات هر ملتی، ادبیات مربوط به نوجوانان است که نقش مهمی در آماده‌سازی آنان برای ورود به عرصه‌های اجتماعی ایفا می‌کند (۶). برخی از منتقدان برای بیان تعریفی از رمان نوجوان، ضمن در نظر گرفتن خصوصیات نوجوانان، به شیوه‌های رمان‌نویسی برای بزرگسالان نظر داشته‌اند. این نکته، وجه مشترک اغلب تعاریفی است که از رمان نوجوان ارائه شده است.

نکته دیگری که در تعریف رمان مورد توجه قرار می‌گیرد، تعداد کلمات و حجم رمان‌های نوجوان است: رمان نوجوان با رمان بزرگسال تفاوت زیادی ندارد و عمده‌ترین تفاوت آن در حجم و مخاطب است؛ حجم رمان‌های بزرگسالان را بین ۶۰ تا ۷۰ هزار کلمه، حتی تا ۲۰۰ هزار کلمه نوشته‌اند، اما برای تعداد کلمات رمان نوجوان حدنصابی تعیین نشده است. برخی در این باره گفته‌اند: «به‌هر حال راحت‌ترین معیار، طول است، اما معیار کاملی نیست؛ چراکه داستان صد صفحه به بالا را راحت می‌شود رمان گفت و بالاتر از پنجاه صفحه را داستان بلند، و کمتر از آن را داستان کوتاه.» (۱۹).

رمان نوجوان ساختار اصلی یک رمان بزرگسال را دارد و در عین حال، در خلق آن، به ویژگی‌های ساختاری مناسب برای گروه سنی نوجوان توجه می‌شود. برخی معتقدند نویسنده‌ای که برای نوجوانان می‌نویسد، باید آن قدر توانا باشد که بتواند برای بزرگسالان هم بنویسد. رمان نوجوان شاخه‌ای از ادبیات تعلیمی به حساب می‌آید و کار آن هدایت نوجوان به سوی رشد است (۲۰). این نوع از ادبیات، ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از دیگر دسته‌های ادبی متمایز می‌کند. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

- نوجوان را با رخدادهای اجتماعی و تاریخی و پدیده‌های علمی آشنای می‌کند،
- مسئولیت‌پذیری در اجتماع و کمک به هم‌نوع را در مخاطب تقویت می‌کند،
- مسائلی مربوط به نوجوان در آن ارائه می‌شود،
- به نوجوان بینش کافی برای پذیرفتن واقعیت‌های تلخ اجتماع را می‌دهد،
- زبان آن معمولاً ساده و روان است تا برای مخاطب نوجوان قابل فهم باشد،
- شخصیت‌های حاضر در این رمان قابل هم‌ذات‌پنداری برای مخاطب نوجوان است،

- به صورت غیر مستقیم آموزش می‌دهد (21).

یکی دیگر از مسائلی که در پژوهش‌های ادبی درباره رمان نوجوان مورد توجه قرار می‌گیرد، عنوان رمان است؛ عنوان رمان اولین برخورد خواننده با کتاب است. عنوان دید کلی در مورد محتوای کتاب ایجاد می‌کند و نقش مهمی در جذب مخاطب دارد؛ (22) این مؤلفه در آثار داستانی نوجوانان اهمیت دوچندانی دارد و بنابراین، «باید به گونه‌ای هنرمندانه انتخاب شود تا بتواند کیفیت متن را به نمایش بگذارد.» (23).

شخصیت‌پردازی مؤلفه دیگری است که در پژوهش‌های انجام‌شده مورد توجه قرار گرفته‌است. موضوعاتی نظیر جنسیت، کارکرد شخصیت‌ها، فعالیت‌ها و ویژگی‌های شخصیت‌ها، کلیشه‌های جنسیتی متداول، نگاه مردانه و زنانه در ادبیات داستانی برای این گروه سنی در این پژوهش‌ها بررسی شده‌اند. نکته قابل توجه استفاده از شخصیت‌های واقعی در این رمان‌ها است. قرار دادن شخصیت‌های شمایی در موقعیت‌های مطلقاً درست یا اساساً نادرست که متعلق به جهان اسطوره است، در فضای داستانی امروزی که مناسبات بسیار پیچیده‌تری دارد، سبب آسیب‌هایی خواهد شد که ناشی از تفاوت جهان اساطیری و مناسبات دنیای واقعی است (24). در یک جمع‌بندی کلی، در مطالعات انجام‌شده در زمینه ادبیات داستانی نوجوان، به سه معیار ویژگی‌های ادبی، نوع و عنوان داستان، و شخصیت‌پردازی توجه شده‌است (22).

محتوای رمان نوجوان در کشور ما با دیگر کشورها تفاوت دارد. برخی معتقدند که کتاب‌های رمان ایرانی نوشته‌شده برای نوجوانان، از نظر محتوایی، واقع‌گرا هستند و فضای غمگین، نگاه انتقادی، و پایان‌بندی بسته دارند و قهرمان این رمان‌ها برخلاف شخصیت‌های رمان‌های نوجوان غربی، شخصیت‌هایی ایستا، منفعل، و درون‌گرا هستند (25).

کاربردهای رمان کودک و رمان نوجوان

رمان کودک، پیش از هر چیز، ابزاری برای رشد شناختی و اجتماعی کودکان است. نویسندگان این آثار از طریق روایت‌های داستانی جذاب، این امکان را فراهم می‌سازند تا ارزش‌هایی مانند دوستی، همکاری، و مسئولیت‌پذیری در ذهن کودک شکل گیرد. (13). نویسنده رمان کودک با دقت، محیطی امن طراحی می‌کند تا کودک بتواند پیامد رفتارها را بیاموزد و توانایی حل مسئله را در فضایی غیرواقعی اما آموزنده تمرین کند.

رمان کودک علاوه‌بر نقش آموزشی از جنبه‌های دیگری نیز قابل توجه است. این گونه ادبی یکی از مؤثرترین ابزارها برای تحریک تخیل و شکوفایی خلاقیت در کودک محسوب می‌شود. در سنین شش تا دوازده سالگی، ذهن کودک آمادگی ویژه‌ای برای تعامل با عناصر خیالی و شخصیت‌های غیرواقعی دارد. حضور حیوانات سخنگو، موجودات جادویی، یا اشیای انسان‌نما به او کمک می‌کنند تا دنیایی تازه را تصور کند و توانایی بازآفرینی ایده‌های جدید را بیابد. این امر موجب تقویت قدرت تفکر انتزاعی و خلاقیت او می‌شود.

رمان کودک امکان شکل‌گیری پیوند عاطفی مثبت میان کودک و کتاب را فراهم می‌سازد. زبان ساده، شخصیت‌های ملموس، و تصویرهای رنگارنگ، خاطره‌ای خوشایند از تجربه مطالعه ایجاد می‌کند و این تجربه می‌تواند به عادت مطالعه و علاقه پایدار به خواندن تبدیل شود. نویسندگان، با آگاهی از این ظرفیت‌های رمان کودک، آثار خود را به گونه‌ای خلق می‌کنند که سرگرم‌کننده و انگیزه‌بخش برای ادامه مسیر یادگیری باشد (12).

از نظر فرهنگی، رمان کودک بستری ارزشمند برای بازتاب و حفظ میراث فرهنگی است. نویسندگان از این قالب برای انتقال زبان، آداب، سنت‌ها، و آیین‌های بومی استفاده می‌کنند تا هویت فرهنگی نسل آینده تقویت شود. این رویکرد برای حفظ ارتباط با ریشه‌های فرهنگی در مواجهه با جهانی‌سازی اهمیت بسیاری دارد.

پژوهشگران مهارت‌های مهم و کاربردی زندگی را برای گروه سنی نوجوانان، مهم می‌دانند و توجه به این موضوع را در داستان‌های نوجوانان ضروری دانسته‌اند. مهارت‌های زندگی درواقع، یکی از راهبردهای ضروری است که از طریق افزایش توانایی نوجوانان، ظرفیت آنان را برای مقابله با چالش‌ها و کشمکش‌های زندگی ارتقای دهد و آنان را در برابر مشکلات ایمن می‌سازد. (همان)

مخاطب اصلی رمان نوجوان در حال گذراندن مرحله گذار بین کودکی و بزرگسالی است. رمان‌های نوجوان دارای ویژگی‌های متمایزی هستند که آن‌ها را از رمان کودکان و سایر اشکال روایی متمایز می‌کند. آن‌ها زمینه‌ای برای شکل‌گیری هویت نوجوانان هستند، آن‌ها را با پدیده‌های اجتماعی، تاریخی، و علمی آشنایی می‌کنند، و درنتیجه، آگاهی آن‌ها را از جایگاه خود در جامعه و جهان وسیع‌تر افزایش می‌دهند. این رمان‌ها از طریق بازنمایی روابط، مسئولیت‌پذیری و همدلی را تقویت می‌کنند و نوجوانان را برای مشارکت فعال در زندگی اجتماعی تشویق می‌کنند.

روایت‌های ادبی برای مخاطب نوجوان به چالش‌های معاصر می‌پردازند و مسائلی را ارائه می‌دهند که مربوط به تجربیات زیسته نوجوانان است؛ از مشکلات مربوط به مدرسه گرفته تا بحران‌های اجتماعی گسترده‌تر. نقش حیاتی چنین رمان‌هایی تسهیل‌گذار به بزرگسالی، ارائه بینش‌ها، و راهبردهای مقابله‌ای برای مواجهه با واقعیت‌های تلخ زندگی بدون تضعیف امید یا جاه‌طلبی شخصی است. آن‌ها با زبانی ساده و صمیمی، مضامین پیچیده را در دسترس نوجوان قرار می‌دهند و درعین‌حال، طنین عاطفی خود را حفظ می‌کنند. در این آثار، شخصیت‌های قابل‌درک و واقع‌گرایانه‌ای حضور دارند و خوانندگان می‌توانند با زندگی‌های داستانی همذات‌پنداری کنند و از کهن‌الگوهای اسطوره‌ای یا سناریوهای بیش‌ازحد ایده‌آل فاصله بگیرند. این روایت‌های داستان‌محور ارزش آموزشی غیرمستقیم دارند و درس‌ها را به‌صورت از طریق طرح داستانی ارائه می‌دهند، نه آموزش آشکار. علاوه‌براین، عنوان در این

آثار مهم است. عنوان برای برقراری پیوند شناختی و عاطفی خواننده با متن، نقشی محوری ایفا می‌کند و نشان‌دهنده کیفیت و جوهره موضوعی روایت است.

نتیجه‌گیری

پژوهشگران از زوایای مختلف به تعریف ادبیات کودک و نوجوان و شاخه‌های رمان کودک و رمان نوجوان می‌پردازند؛ برخی با نگاه تاریخی سیر ادبیات داستانی را بررسی می‌کنند و مراحل تکوین آثار ادبی را در نظر می‌گیرند. آن‌ها تفاوتی میان ادبیات کودک و نوجوان و ادبیات بزرگسال قائل نمی‌شوند و معتقدند هرچه برای مخاطب بزرگسال نوشته می‌شود، برای مخاطب کودک و نوجوان هم مفید و قابل استفاده است. برخی دیگر مخاطب کودک و نوجوان را از مخاطب بزرگسال متمایز می‌کنند، اما بین کودک، نوجوان، و بزرگسال مرز مشخصی قرار نمی‌دهند و تنها با تکیه بر ادبیات تعلیمی و مباحث آموزشی، تعریف‌هایی کلی ارائه می‌کنند. نکته‌ای که در میان همه این تعریف‌ها قابل تأمل است، توجه پژوهشگران به گستره متنوع این حوزه است که نقش مهمی در رشد درک و آگاهی نسل‌های کودک و نوجوان ایفا می‌کند. مخاطبان کودک و نوجوان با خواندن این آثار به شناخت خود می‌رسند و در پی آن، می‌توانند جهان را درک کنند.

مرور تعریف‌های مختلف از رمان نوجوان نشان می‌دهد که بعد از استقلال ادبیات کودک و نوجوان، ادبیات نوجوان و سپس، رمان نوجوان شاخه‌ای از این ادبیات شناخته‌شد. رده سنی مخاطبان بین سنین یازده تا هجده سال یک شاخص مهم در تعریف‌های نظری از رمان نوجوان است. در این تعریف‌ها به عناصر ساختاری و محتوای داستانی مانند تصویرگری، زبان، و درونمایه نیز متناسب با مخاطب نوجوان و مخاطب‌محوری توجه می‌شود. توجه به بلوغ جسمانی و ویژگی‌های سنی، فطری، و روانی نوجوان، ویژگی‌های نسلی و نیازهای مقطعی در ادوار مختلف، و مسئله هویت که زمینه

با کارکرد هویت‌ساز دارد. رمان نوجوان در میانه ادبیات داستانی کودکان و ادبیات داستانی بزرگسالان قرار دارد و علاوه بر سرگرم کردن و لذت‌بخشیدن به مخاطب نوجوان، نقشی مهم در ارتقای آگاهی، تقویت ارزش‌های اجتماعی، و آماده‌سازی ذهنی و روانی نوجوان برای ورود به مراحل پیچیده‌تر زندگی دارد.

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

The study addresses a major unresolved issue in the field of children's and young adult narrative literature, namely the persistent theoretical gap in defining the genres of the children's novel and the young adult novel, a gap that has become increasingly problematic in recent decades as the production and academic examination of literary works for child and adolescent audiences have expanded significantly; despite this growth, literary scholarship has failed to provide stable, independent, and conceptually precise definitions for these two genres, thereby complicating analytical, critical, and pedagogical engagement with them; previous research has largely focused on the general characteristics of children's and adolescent literature without establishing rigorous theoretical boundaries between them, resulting in conceptual ambiguity and

ورود نوجوان به دنیای بزرگسالی است، از دیگر نکته‌هایی است که در تعریف رمان نوجوان بر آن‌ها تأکید می‌شود.

نکته دیگر درباره وجوه شباهت‌ها و تفاوت‌های رمان کودک و رمان نوجوان است. این دو گونه ادبی در رویکرد، اهداف، عناصر روایی، و نوع مخاطب دارای تفاوت‌های بنیادین هستند. تفاوت اصلی آن‌ها در سطح پیچیدگی زبانی، گستره موضوعات، شخصیت‌پردازی، میزان واقع‌گرایی، و جنبه تصویری آن‌ها است. رمان کودک زبان ساده، تصویرگری گسترده، شخصیت‌های ملموس و خیالی، و ساختار ساده با پیرنگ خطی دارد، اما ویژگی‌های برجسته رمان نوجوان زبان صمیمی، شخصیت‌های واقعی و چندبعدی، و ساختار چندلایه است و روایت‌های عمیق

analytical inconsistency; for instance, while studies such as Hejazi's work on children's and young adult literature have examined literary history and core features, they did not offer a distinct theoretical definition of the young adult novel (1), and Jalali's audience-centered approach, although valuable, remains primarily descriptive rather than theoretically integrative (2); similarly, Motamedi and Rashidi's formulation of foundational principles for children's and young adult literature does not resolve the definitional fragmentation that continues to characterize the field (3); the absence of such theoretical clarity has not only hindered systematic literary criticism but has also limited the development of educational frameworks, publishing standards, and curriculum design related to these genres; therefore, this research positions itself within this scholarly vacuum and seeks to construct a coherent conceptual framework through a descriptive—

analytical methodology that synthesizes existing theoretical insights, critiques dominant assumptions, and proposes operational definitions that accurately reflect the structural and content-based realities of children's and young adult novels as they function in literary practice and cultural discourse.

Historical examination of children's and young adult literature reveals that these domains were not originally recognized as autonomous literary fields, as early literary traditions rarely distinguished between adult and youthful audiences, and oral narratives, folklore, and epic storytelling addressed heterogeneous listeners without age-based categorization (4, 5); the eventual emergence of children's and adolescent literature as distinct categories reflects broader social transformations that acknowledged childhood and adolescence as unique developmental phases with specific cognitive, emotional, and cultural needs; within this context, Mahmoudi's definition of children's and young adult literature as artistic verbal creation that cultivates emotional, imaginative, and cognitive growth offers an important conceptual foundation (6), while Pouladi's emphasis on the intrinsic aesthetic value of literature underscores the centrality of pleasure and deep engagement rather than purely instrumental instruction (7); however, the field remains divided regarding the extent to which children's and young adult literature should mirror adult literature or operate under distinct principles, with some theorists arguing for their fundamental equivalence in literary

value and others stressing the necessity of developmental differentiation; such tensions demonstrate that the absence of a stable theoretical framework has produced competing interpretive models that often conflate pedagogical, psychological, and aesthetic considerations, making precise genre demarcation increasingly difficult.

While scholars have identified several shared characteristics of children's and young adult literature—including audience-centeredness (8), linguistic accessibility (9), moral and social influence (10), and the cultivation of creativity and life skills (11)—this study argues that such similarities obscure crucial structural and functional distinctions; children's literature prioritizes emotional immediacy, imaginative engagement, and concrete experience, whereas young adult literature centers on identity formation, social conflict, and critical reflection; linguistic simplicity functions differently across these age groups, with children's narratives relying on tangible vocabulary and syntactic transparency while young adult texts incorporate increasing semantic and conceptual complexity; furthermore, moral and educational content in children's literature is often conveyed through direct or symbolic narrative forms, while young adult literature integrates such content through dialogic conflict and experiential learning; similarly, creativity development in children is achieved through repetition and visual reinforcement, whereas adolescents engage with multilayered narrative structures,

intertextual references, and more complex dialogic interactions that deepen linguistic and cognitive competence; these distinctions illustrate that children's and young adult novels cannot be subsumed under a single literary model without sacrificing analytical precision. Building upon these insights, the children's novel is defined in this study as a sustained narrative form designed primarily for readers aged six to twelve that combines entertainment, emotional engagement, and indirect instruction in ways that foster imaginative, cognitive, and affective development; its defining features include simple, transparent language devoid of syntactic or semantic complexity (12), extensive visual illustration that functions as a central interpretive mechanism rather than mere ornamentation (15), and character systems populated by both realistic and fantastical figures—including talking animals, magical beings, and anthropomorphized objects—that stimulate imaginative expansion and moral learning (13); structurally, children's novels employ linear plot construction, limited narrative length adapted to attention span, and a coherent causal sequence that ensures accessibility and narrative stability; functionally, the genre serves as a critical instrument for language acquisition, emotional development, and the establishment of positive reading habits through affective bonding between child and text (12); its cultural role further extends to the transmission of collective values, traditions, and identity

patterns, thereby contributing to intergenerational continuity.

In contrast, the young adult novel addresses readers between approximately twelve and eighteen years of age and reflects the complex developmental conditions of adolescence, including cognitive maturation, emotional volatility, social integration, and identity construction (18); this genre incorporates advanced linguistic registers while maintaining narrative accessibility, presenting multidimensional characters whose psychological depth and moral ambiguity mirror adolescent experience; thematic concerns extend beyond personal growth to encompass social justice, cultural identity, historical consciousness, and global awareness (6); structurally, the young adult novel approximates adult narrative architecture in scope and complexity, with greater narrative length, layered plots, and intricate character networks (19); its pedagogical dimension operates primarily through indirect modeling of responsibility, resilience, and ethical reasoning (21); moreover, the genre's aesthetic and functional effectiveness is significantly influenced by paratextual elements such as title construction, which shapes reader expectation and emotional engagement (22, 23), and by evolving conventions of characterization that privilege realism over mythic absolutism in contemporary narrative contexts (24).

The findings of this study demonstrate that children's novels and young adult novels

represent two distinct yet interconnected literary systems whose differences extend across linguistic complexity, narrative architecture, character construction, thematic scope, degrees of realism, visual integration, and reader engagement; the children's novel operates through simplicity, imaginative immediacy, and visual-narrative synergy, while the young adult novel functions through cognitive challenge, emotional depth, and identity-oriented discourse; recognizing these distinctions resolves long-standing conceptual ambiguity and provides a coherent theoretical foundation for literary criticism, educational practice, publishing standards, and cultural policy related to youth literature, thereby enabling more systematic scholarly inquiry and more effective pedagogical application.

References

1. Hejazi B. Children's and Young Adult Literature: Characteristics and Aspects. Tehran: Roshangaran va Motaleat-e Zanan; 2016.
2. Jalali M. Reflections on Audience Recognition in Children's and Young Adult Literature. Tehran: Shahid Beheshti University Press; 2024.
3. Motamedi A, Mahjoub MJ. Iranian Folk Literature. Tehran: Cheshmeh; 2008.
4. Hajvani M. Analytical Review of the History of Children's and Young Adult Literature Criticism in Iran with a Pathological Look at Criticism Formats. Children's Literature Studies. 2010;1(1):75-100.
5. Imen L, Khomarloo T, Dowlatabadi M. A Passage Through Children's Literature. Tehran: Children's Book Council; 1973.
6. Mahmoudi A, Kichi Z. Sociological Investigation of the Application of Belief Systems in Children's and Young Adult Fiction: Case Study of Hooshang Moradi Kermani's Works. Persian Literature Journal. 2016;17(92):193-211.
7. Pouladi K. A Review of Children's and Young Adult Literature. Tehran: Institute for the Intellectual Development of Children and Young Adults (Kanoon); 2005.
8. Khosronejad M. The Concept of Childhood and the Goal of Children's Literature. Journal of Social Sciences and Humanities of Shiraz University. 2005;154-68.
9. Anoushe H. Encyclopedia of Persian Language and Literature. Tehran: SAMT Publications; 1997.
10. Ghezel-Ayagh S. Children's and Young Adult Literature and Reading Promotion. Tehran: SAMT Publications; 2023.
11. Samanian M. Children's and Young Adult Literature. Bojnourd: Islamic Azad University, Bojnourd Branch; 2002.
12. Norton D. Through the Eyes of a Child: An Introduction to Children's Literature. Tehran: Ghalamrow; 2003.
13. Nikolajeva M. Power and Power Lessons in Children's Literature. Amsterdam: John Benjamins Publishing Company; 2010.
14. Rosenblatt LM. Literature as exploration. New York: Modern Language Association of America; 1995.
15. Doonan J. Looking at pictures in picture books. Stroud: Thimble Press; 1993.
16. Hunt P. Understanding children's literature. London: Routledge; 1999.
17. Shokrollahzadeh S. From the Evasiveness of Young Adult Literature Regarding Criticism and Theory to its Inevitability: Providing a Framework for Endogenous Criticism and Theory of Young Adult Literature. Literary Criticism and Theory. 2023;8(1):30.
18. Moradi A. Investigating the Origins of Social Anxiety in Adolescent Characters of the Novel "The Taste of Yellow Apple" Based on Stigma Theory. Interdisciplinary Literary Research. 2023;5(7):283-309.
19. Soleimani M. Dictionary of Fiction and Related Fields. Tehran: Elmi Farhangi; 1990.
20. Zabihnia A. A Reflection on the Young Adult Novel in Iran. Tehran: Roozgar; 2016.
21. Sarfi H. Review of the Young Adult Novel in Iran. Children's and Young Adult Literature Research Journal. 2002(28):120-3.
22. Zamani E, Fazilat M, Seif A, Jalali M. Structural and Content Components of Children's and Young Adult Fiction: A Systematic Review. Journal of Literary Criticism and Rhetoric. 2024;13(3):24-42.
23. Najafi Behzadi S. Analysis of Young Adult Novel Titles (Hasti, Call Me Ziba, and Jonah's Love Affairs in the Belly of the Fish) from Gerard Genette's Paratextual Perspective.

Children's Literature Studies. 2022(25):289-312.

24. Rezaei H, Najafi Behzadi S. A Comparative Study of Life Skills in Young Adult Novels by Erich Kästner and Farhad Hassanzadeh. Children's Literature Studies. 2020(21):80-106.

25. Arab Sheibani Z, Mohammadi M, Falsafin S, Khavidaki S. Investigating Content Features and Characterization of Best-Selling Young Adult Novels Published Between 2001-2010. Research on Information Science and Public Libraries. 2018(92):125-47.